■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۷۴ ■ دوشنبه ■ ۲ تیر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۷ | اذان مغرب ۲۰/۴۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۳ | اذان صبح فردا ۴/۰۳ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۹

سخن روز

امام علی علیه‌السلام:
راستگو درآستانه نجات و بزرگواری است و دروغگو در لبه پرتگاه و خواری.
نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۱۱۷، خطبه ۸۶

منتظریم کرونا برود

حسین محجوبی: در خانه‌ام ۴۵ سال کار فرهنگی انجام داده‌ام و این خانه پر از خاطره است و می‌تواند محیط فرهنگی بسیار خوبی برای جامعه باشد. از طرف دیگر همیشه عادت داشته‌ام که خاطراتم را بنویسم و به همین خاطر نیز مجموعه خاطرات کاملی از دوران پهلوی و همچنین ۷۰ سال مشاهداتم از شهر تهران و تغییراتی که در این سال‌ها کرده است و ملاقات‌هایی که با شاعران و هنرمندان داشته‌ام، در اختیار دارم که قرار بود در قالب کتابی منتشر شود که متأسفانه به دلیل شیوع ویروس کرونا این اتفاق نیفتاد. در حال حاضر این کتاب در انتظار چاپ است و منتظریم تا ویروس کرونا برود و با کمک دوستان همزمان با یک نمایشگاه رونمایی این کتاب را هم برگزار کنیم.

بخشی از گفت‌وگوی این نقاش، معمار و طراح پارک‌های معروف تهران با ایسنا

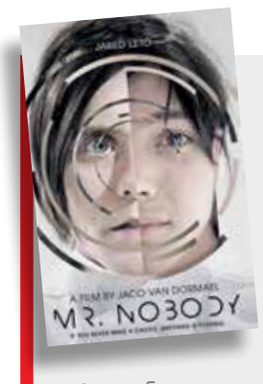

من از مردن نمی‌ترسم. نگرانم که به اندازه کافی زندگی نکرده باشم. به‌نظر من باید روی همه تخته‌سیاه‌های مدارس نوشته بشه: زندگی یه زمین بازیه، نه هیچ چیز دیگه‌ای.

آقای هیچ‌کس
ژاکو ون دورمل

نـــگاره

علیرضا پاکدل

خطر بی‌توجهی به ویروس کرونا

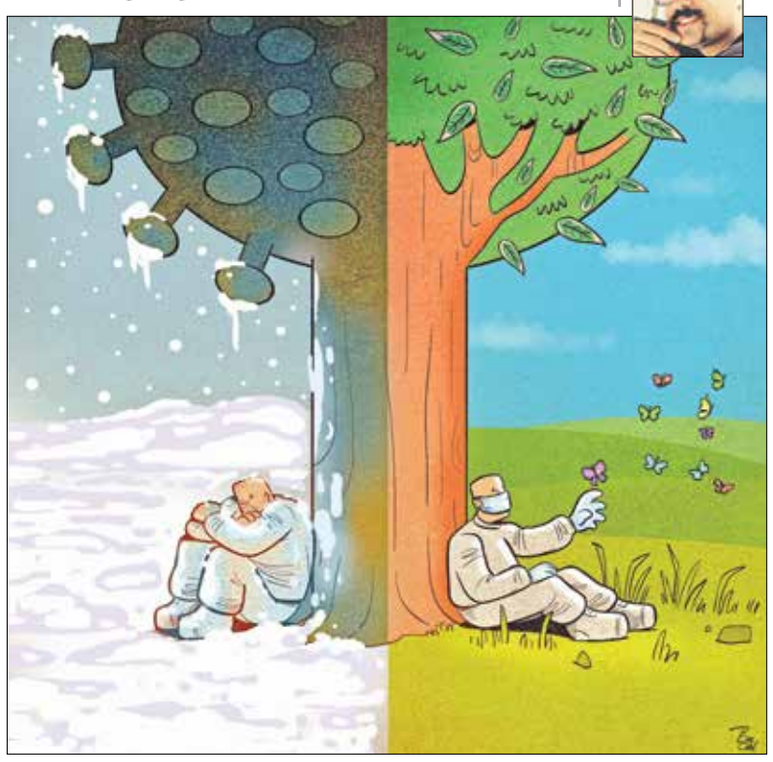

#خورشید_گرفتگی

هشتـگ

آخرین خورشیدگرفتگی قرن موجی از هیجان را در شبکه‌های اجتماعی به‌وجود آورد. در شلوغی کرونا و گرانی دلار، عکس‌ها و فیلم‌هایی از این پدیده توسط کاربران بخصوص ساکنان استان‌هایی که خورشیدگرفتگی در آنها به خوبی دیده می‌شد، به اشتراک گذاشته می‌شد. البته طبق معمول کاربرانی با این موضوع هم شوخی می‌کردند. خواندن نماز آیات در مجلس هم از موضوعاتی بود که به آن پرداختند: «اینکه امروز آخرین خورشید گرفتگی قرنه خیلی برام هیجان انگیز بود. دیدمش. به خودم قول داده بودم اینو دیگه ببینم اما اینکه هیچکدوممون آخرین خورشیدگرفتگی قرن بعدی رو نمی‌بینیم ترسناکه ها»، «خورشید گرفتگی رو با بابام می‌دیدم از تلویزیون؛ سال ۷۸. مجری گفت کسوف بعدی سال ۹۹ رخ می‌ده. نگاهم کرد و گفت بعدی رو با بچه‌ات می‌بینی! حالا کسوف می‌بینم و بچه ندارم؛ بابام رو هم! تنهای تنهای تنها»، «شماها یادتون نمی‌آد قدیم خورشید گرفتگی علاوه بر اینکه زیاد اتفاق می‌افتاد که هیچ، ما بچه‌ها هم تو کوچه با عکس رادیولوژی سعی می‌کردیم مثلاً بدون اینکه به چشم‌مون آسیب برسه این اتفاق رو نظاره کنیم یادش بخیر»، «چشمام دراومد تا فهمیدم گوشه راست پایینش گرفته.»، «آسیب وارده به چشم در اثر تماشای خورشید گرفتگی رو جدی گرفتم. تصمیم داشتم با گوشیم عکس بگیرم و تماشا کنم حالا جایی خوندم ممکنه به‌گوشی هم آسیب بزنه. این توصیه رو هم با توجه به دلار ۱۹ تومن، شما هم مث من جدی بگیرین»، «از زیبایی‌های کسوف مشهد هوای ابری ملایم بود که استفاده از یک فیلتر رو بلامانع می‌کرد و می‌تونستی زیبایی بیشتری از آسمون رو ببینی.»، «کاش خورشید گرفتگی با همین فرمون می‌رفت تا آخر تابستون»، «یادش بخیر خورشید گرفتگی کامل. تلویزیون انگار افتتاحیه المپیک داشت پخش می‌کرد.»، «ما هر وقت خورشید گرفتگی می‌شه هرجا باشیم شب بخیر می‌گیم و دراز می‌کشیم می‌خوابیم.»، «آخرین خورشیدگرفتگی قرن در اولین روز آخرین تابستان قرن به خالق قرن پیوست.»، «تماشای خورشیدگرفتگی تجربه واقعاً شگفت‌انگیز و مهمیه. مثل اینه که رو نیمکت ایستگاه اتوبوس بشینی چشاتو جوری تنگ کنی که سایه یه پراید نقره‌ای داغون بیفته رو بدنه یه پورشه نارنجی به نحوی که پورشه چند ثانیه‌ای از دید خارج بشه. اصلاً بی‌نظیره. هیچ رقمه از دستش ندید.»، «اولین بار تو

زندگی سی ساله‌ام خورشیدگرفتگی رو دیدم و سرشار از حس شگفتی‌ام. چه قشنگی‌هایی همین بغل گوش‌مون، بالا سرمون، زیر پامون اتفاق می‌افته و الکی الکی ازشون غافل‌ایم... زیبایی‌های زندگی چقدر بی‌انتهاست و نمی‌دونیم و فراموش می‌کنیم...»، «والا من آنقدر سرم شلوغ بود نرسیدم حتی لایو اینستاگرامی خورشیدگرفتگی رو ببینم»، «برای هر دقیقه مجلس ۲۲میلیون تومن هزینه می‌شه. جالبه بدونید امروز نمایندگان مجلس در ساعت اداری نماز آیات خوندن»، «نماز آیات واجبه، مثل نمازهای یومیه که یه وقتی براش در نظر گرفته شده توی همه ادارات و هر جایی که مسلمون هست.».

نوید برهان زهی

شهروند مجازی

یگانه خدامی

شانه‌های تخم مرغ

ماجرا

افزایش عجیب قیمت تخم مرغ یکی از مسائلی است که در چند روز گذشته کاربران درباره‌اش نوشتند. اینکه بسیاری از کاربران جوانان دانشجو هستند و تخم مرغ بخش مهمی از غذای روزانه آنهاست در حساسیت نشان دادن به این گرانی مؤثر است. واکنش‌ها به گرانی تخم مرغ معمولاً همراه با تعجب بود: «تخم‌مرغ شده دونه‌ای ۱۰۰۰ تومن. یه زمانی دلار اینقدر بود.»، «دیشب تو سوپری یه خانمی اومد گفت: -تخم‌مرغ دونه‌ای داری؟ +بله -سه تا چقدر می‌شه +۴۲۰۰ تومن - لطفاً ۲تا بدین!»، «پیام ملت ایران به تخم مرغ: شانه هایت را برای گریه کردن دوست دارم»، «به خدا دیگه تخم‌مرغ ۱۵۰۰ تومنی باید تخم‌مرغ شانسی باشه.»، «تخم مرغ دونه‌ای هزار و پونصد تومن؟ سختی کار مرغم ما باید بدیم؟»، «یعنی چی یدونه تخم‌مرغ شده هزارتومن؟»، «تخم مرغ دونه‌ای ۱۵۰۰تومن رو باید با پوست خورد»، «با تخم‌مرغ دونه‌ای هزار و پونصد دیگه املت واسه خودش پیتزا محسوب می‌شه.»، «تخم مرغ دونه‌ای هزار تومن.» شما رو به کمپین دانشجویی «هوا را از من بگیر ولی تخم مرغ را نه!»، «سلطان تخم مرغ رو هنوز نگرفتن؟!»، «رضا ترکاشوند، مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغ تخم‌گذار: تخم مرغ ۳۰ هزار تومانی ناشی از هیجانات فضای مجازی است» اصلاً کسی در فضای مجازی از تخم مرغ صحبت کرد؟ «گرانی ارز، مسکن، رکود اقتصادی، جوجه کشی، توزیع ناعادلانه ثروت و.... هم تقصیر فضای مجازی است؟ هراس از فضای مجازی تا کی؟!»، «مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغ تخم‌گذار گفته: «تخم مرغ گران نشده فقط افزایش قیمت داشته» چقدر جواد خیابانی زیاد شده»، «حساب کردم اگه بخوایم به‌خاطر شرایط بد اقتصادی روزی ۳وعده تخم‌مرغ و نون بدون سبزی و بدون پیاز بخوریم می‌شه ماهی یک میلیون و ۳۵۰ تومن. هر وعده نفری ۲تا تخم مرغ و دوتا نون لواش حساب کردم». «زندگی هیچوقت دست از سورپرایز کردن برنمی‌داره... مثلاً کی فکرش رو می‌کرد تخم مرغ شونه‌ای ۳۰ تومن رو ببینیم یا پراید نود میلیونی رو یا حتی یه خونه زپرتی یک میلیارد قیمت بخوره.... قدیم به خدا یه میلیون حرمت داشت چه برسه به یه میلیارد».

نجیب، سمبل یگانگی هرات و خراسان

یادداشت

محمدجعفریاحقی
عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نجیب مایل هروی از دانشمندان شاخص افغانستانی است که به‌دنبال سال‌ها زندگی در ایران و بویژه خراسان، شاهد خدمات فرهنگی- ادبی بسیاری به همت ایشان و برای حفظ و اعتلای ادبیات کشورمان بوده‌ایم. او در خانواده‌ای فرهنگی متولد شد و جالب است بدانید که پدر استاد مایل هروی هم مردی دانشمند بود، همکاری نزدیکی با زنده یاد پرویز ناتل خانلری در بنیاد فرهنگ داشت که حاصل آن انتشار آثار ارزشمندی است که به یادگار مانده. با پدر استاد مایل هروی هم آشنا بودم، او نیز مرد بسیار شریف و دانشمندی بود و حتی علاقه بسیاری به تربیت پسرش در ایران داشت و همین شد که نجیب مایل هروی برای دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد عازم ایران و دانشگاه فردوسی مشهد شد. از همان دوران دانشجویی تفاوت جدیت ایشان در مقایسه با دیگر دانشجویان مشخص بود. با این حال از همان ابتدا مشخص بود که بیش از تحصیل در فضای رسمی دانشگاهی، خواهان مطالعه و پژوهش‌های شخصی است که نتیجه آنها را به مرور در قالب کتاب هم منتشر کرد. بعد از اتمام دانشگاه، فرصت خوبی برای همکاری با کتابخانه آستان قدس پیدا کرد و برای چند سال در بخش نسخ خطی این مجموعه مشغول کار شد. بنیان تخصص ایشان در نسخه شناسی که یکی از وجوه فعالیت حرفه‌ای‌شان به شمار می‌آید در همین زمان گذاشته شد. بعدها به همکاری با بنیاد پژوهش‌های اسلامی هم پرداخت و مسئولیت تصحیح متون خطی را به عهده گرفت، من هم مسئولیت گروه فرهنگ و ادب را قبول کردم و همکاری نزدیکی داشتیم. یادگار اقامت استاد نجیب مایل هروی در این مرکز هم انتشار آثار ارزشمندی است که یکی از مهم‌ترین آنها «کتاب آرایی در تمدن اسلامی» است. هر چند که بروز برخی اختلافات با آستان قدس رضوی، موجب قطع همکاری و دلگیری نجیب مایل هروی شد که ورود او به تهران و آغاز همکاری اش با کتابخانه مجلس را سبب شد. به عقیده من استاد مایل هروی دو وجهه برجسته کاری دارد، نخستین وجه آن فعالیت‌های جدی در حوزه نسخه شناسی است، آن هم در سال‌هایی که این قبیل اقدامات چندان مورد توجه اهالی ادبیات نبود. علاوه بر این نجیب مایل هروی به‌عنوان یک مصصح و متن شناس هم کارهای ارزشمندی کرده که حاصل آن انتشار آثار متعددی از جمله کتاب‌هایی در حوزه متون عرفانی است. به کمک ایشان بسیاری از عرفای ناشناخته برای ایران و افغانستان شناخته شدند. افزون بر این یکی از اقدامات خوب نجیب مایل هروی را می‌توان انتشار رساله‌های کوتاهی دانست که در جست‌وجوهای خود آنها را یافته بود. در همان دورانی که در مشهد مشغول همکاری با بنیاد پژوهش‌ها بود، مجموعه‌ای با عنوان رسائل منتشر کرد که تا پنج- شش شماره هم ادامه پیدا کرد؛ این مجموعه در بردارنده مقاله‌های متعددی در حوزه علوم مختلف بود. بخش عمده‌ای از نوشته‌های نجیب مایل هروی در زمره آثار مرجع دانشگاهی است و خود من برخی کتاب‌های او را سال‌ها تدریس کرده ام. خدمات ایشان به حوزه ادبیات و تصحیح متون منجر به برپایی تجلیل‌های مختلفی شده؛ از جمله مراسمی که به همت کتابخانه ملی برگزار شد و من هم جزء سخنرانان آن بودم که در نتیجه‌اش انتشار کتابی با عنوان «فرزند هرات» منتشر شد. بنیاد موقوفات افشار هم به‌عنوان دانشمند برگزیده از ایشان تجلیل کرد، مؤسسه مهمی که در تقدیرهای خود به دانشمندان مطرح بین‌المللی توجه دارد؛ کسب عنوان برگزیده یکی از دوره‌های جایزه کتاب سال هم از جمله دیگر عنوان‌هایی است که در رزومه کاری نجیب مایل هروی درج شده است. خدمات پنجاه ساله ایشان به سرزمین‌مان بر کسی پوشیده نیست و من حتم دارم نام ایشان برای همیشه در فهرست شخصیت‌های برجسته اهل کتاب و علاقه مندان کتاب باقی خواهد ماند. او تلاش بسیاری در زمینه حفظ پیوند فرهنگی میان دو کشور ایران وافغانستان انجام داده، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های استاد مایل هروی را می‌توان در وفاداری اش به افغانستان، زادگاهش دید؛ او حتی در ثبت زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی افغانستان هم تلاشی جدی به خرج داده است. این در حالی است که علاقه بسیاری به ایران دارد؛ شاید حتی بیشتر از افغانستان. با این حال هیچگاه ملیت خود را نباخته است؛ همین وفاداری به گمانم یکی از جدی‌ترین دلایلی است که منجر به تلاش برای پیوند میان دو ملت شده است. هر چند که میان هرات و خراسان اصلی دوگانگی وجود ندارد، نجیب مایل هروی را می‌توان بی‌اغراق سمبل یگانگی میان هرات و خراسان دانست.

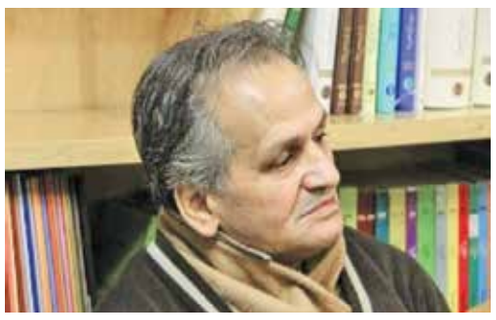

ما و نسل کامروای فوری

سنگ کاغذ قیچی

نلی‌محجوب
فعال حوزه ادبیات کودک و نوجوان

تا به حال با این عبارت برخورد داشته‌اید؟ «نسل کامروای فوری» برای چند لحظه به مشکلات‌تان در ارتباط با فرزندان نوجوان‌تان برگردید. نوجوانانی کم‌طاقت، کم‌حوصله و در نظر برخی والدین پرتوقع و پرمدعا. معضل کم‌طاقتی در برابر سختی‌ها، به یکی از موضوعات داغ در میان همکاران و دوستانی که نوجوانی در خانه دارند، تبدیل شده است. نوجوانانی که در مقابل سختی زود تسلیم می‌شوند یا انتظار دارند که والدین مشکلاتشان را حل کنند و آن را وظیفه والدین می‌دانند. این روزها والدین نیز به دلایل مختلف در تله‌هایی گیر می‌افتند که یا خود می‌سازند- به‌دلیل کمی دانش و مهربانی بیش از حد- یا توسط فرزندان به شکلی ناخواسته برایشان ساخته می‌شود. والدین به‌دلایل شرایط رقابتی موجود در جامعه و برای اینکه فرزندشان از گروه همسالان عقب نمانند یا جایگاه بهتری در جامعه کسب کنند، بهترین نقش‌ها را ایفا می‌کنند و در نقش یک حامی تمام قد ظاهر می‌شوند. گاهی به‌دلیل گذراندن دوران سخت کودکی و نوجوانی و کمبودها دلشان نمی‌خواهد فرزندشان تجربه‌ای مشابه داشته باشد و باز هم به‌خود سخت می‌گیرند تا فرزند راحت باشد و هیچگونه سختی و کمبودی تحمل نکند. یا به دلایل شرایط کاری سخت خود و زمان زیادی که صرف کار می‌کنند بیش از حد نیاز و برای جبران به خواسته‌های فرزندان تن می‌دهند و... این‌ها نمونه‌هایی از تله‌هایی است که هر کدام از ما ممکن است در آن گیر افتاده باشیم. از طرفی سرعت زندگی، امکانات موجود در فضای مجازی و در دسترس بودن آن باعث شده تا نوجوانان و کودکان در کمترین زمان بیشترین اطلاعات را با جست‌وجو در یکی از موتورهای جست‌وجو پیدا کنند. بدون گذراندن زمان زیاد، تلاش و تحمل و مشقت یک پروژه تحقیقی. خودتان را مقایسه کنید که برای یک تحقیق مجبور بودید به کتابخانه‌ها بروید، به مؤسسات یا دانشگاه‌ها، به پایان‌نامه‌ها رجوع کنید یا به آرشیو نشریات و... سر بزنید. این‌ها نیازمند صبر و پشتکار بود. اما نسل امروز بدون درک درست از انتظار رشد می‌کند و این خطری است که در رویارویی با چالش با آن مواجه می‌شود. این نسل کامروای فوری، خود را واحدهای انفرادی تصور می‌کنند و انتظار دارند خیلی سریع به خواسته‌ها برسند و کمتر تجربه کار جمعی و گروهی دارند. اما درک خواسته‌های درست و غلط آن‌ها، آموزش تحمل و بردباری و تلاش برای رسیدن به خواسته تمرینی است که می‌تواند به آنها کمک کند تا درک بهتر و بیشتری از انتظار داشته باشند. والدین امروز به‌دلیل ترس از دست دادن فرصت‌ها، فرصت تجربه و خطا را از فرزندانشان گرفته‌اند و خودشان هم به کامروایی فوری عادت کرده‌اند. اینکه بخواهیم فرزندان ما بهترین باشند، بدون خطا و اشتباه و آنها را در دام رقابت سنگین برای بهترین بودن بیندازیم، باعث می‌شود فرصت تجربه، زیستن و تفکر و پیدا کردن راه را از آنها بگیریم و این اشتباه ما به‌عنوان والد است. آشنایی با نیازهای بچه‌ها در هر دوره سنی، فرصت دادن به آنها و خودمان برای تجربه زندگی، نترسیدن از قضاوت و اشتباه می‌تواند به ما برای نجات از این دام کمک کند. فرصت مطالعه و خوانش فراتر از متن، دیدن، شنیدن و با هم بودن می‌تواند به ما کمک کند تا برای فرزندان فضایی برای تفکر و تجربه ایجاد کنیم. کتاب «آموزش تفکر به کودکان» به والدین کمک می‌کند تا خودشان را از تله‌هایی که نسل کامروای فوری برایش ایجاد می‌کنند خلاص کند و به فرزندان صبر، تحمل و تفکر را آموزش بدهد.

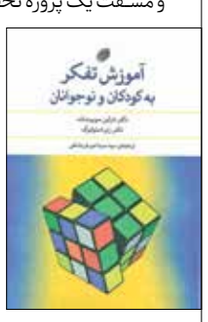

آموزش تفکر به کودکان به قلم: دکتر دارلین سوییت لند و دکتر ران استولبرگ با ترجمه سید سینا میرعرب‌شاهی توسط انتشارات مروارید منتشر شده است.

از برگمان تا بوکفسکی

پیشنهاد

گیتی خزاعی
جامعه شناس

در این مدت که به‌دلیل شیوع بیماری کرونا بیشتر در خانه حضور داشتم، علاوه بر کارهای حرفه‌ای و علمی فرصتی پیدا کردم برای دیدن و خواندن آثار متفرقه که شاید برای ما حالت تفننی داشته باشند و البته ذهن را از خستگی‌ها و درگیری‌های معمول آزاد می‌کند. مدتی بود که می‌خواستم فیلم‌های اینگمار برگمان کارگردان سوئدی را ببینم. فیلم‌هایی که تا به حال به‌صورت پراکنده دیده بودم اما دوست داشتم به‌صورت پیوسته و پشت سر هم آنها را تماشا کنم و در این دوران فرصت این کار فراهم شد. باز هم این فیلم‌ها برایم جذاب بودند و نمی‌توانم از بین آنها یک یا دو فیلم را انتخاب و توصیه کنم برای دیدن. من مجموعه کارهای برگمان را دوست دارم اما شاید بتوانم بگویم فیلم‌های «تماس» که به «یک داستان عاشقانه» هم شهرت دارد و «لبخندهای یک شب تابستانی» برایم بسیار جالب بودند. کتابی هم به تازگی خوانده‌ام که می‌توانم آن را توصیه کنم؛ رمان «عامه پسند» نوشته چارلز بوکفسکی نویسنده امریکایی. مدت زیادی بود که می‌خواستم این رمان را مطالعه کنم و فرصت نمی‌شد و این فرصت در این مدت ایجاد شد. «عامه پسند» را بسیار دوست داشتم. داستان این کتاب به شکلی است که در قالب وقایع روزمره مفاهیم کلی حیات اجتماعی هم بیان می‌شود و البته حالتی انتزاعی پیدا می‌کند. این سبکی شناخته شده در ادبیات است که راوی در حالی که زندگی روزمره خودش را روایت می‌کند برداشت‌های خودش را از مفاهیم و عناصر فلسفی و حیات اجتماعی به‌صورت مفاهیم انتزاعی بیان می‌کند. در رمان «عامه پسند» این اتفاق بخوبی افتاده است و به شکلی روایت می‌شود که برایم بسیار جذاب بود.

به نام تاریخ

■ **۲ تیر**

۹۵ روز از سال ۹۹ گذشته است. امروز را هم از هنرمندانی که به دنیا آمدند و درگذشتند یاد می‌کنیم.

■ **تولدها**

پرویز پرستویی: بازیگر محبوب سینما امروز ۶۵ ساله می‌شود. پرستویی از جوانی تئاتر را آموخت و با اینکه به‌عنوان منشی در دادگستری تهران کار می‌کرد به‌دلیل علاقه به تئاتر آن شغل را رها و بازیگری را دنبال کرد. او از اعضای گروه تئاتر بهرام بیضایی بود و اولین تئاترش را هم در قالب همین گروه بازی کرد. عضویت در گروه تئاتری «کوچ» با همراهی بهزاد فراهانی باعث شد او در این هنر بیشتر شناخته شود. نمایش‌های میلاد، چشم در برابر چشم، شبی در حلبی آباد و پتک از مهم‌ترین آثار او در زمینه تئاتر هستند. با فیلم «دیار عاشقان» وارد سینما شد و برای همان نقش سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را گرفت.

صمد بهرنگی: ۸۱ سال پیش در چنین روزی نویسنده‌ای به دنیا آمد که یکی از مشهورترین چهره‌های ادبیات معاصر ایران و فولکلور آذربایجان شد. صمد بهرنگی معلم بود و نقش زیادی در به رسمیت شناخته شدن حقوق کودکان در ایران و گسترش آموزش در روستاهای آذربایجان داشت. نویسندگی را با طنزنویسی آغاز کرد و پس از انجام پژوهش‌هایی برای جمع‌آوری آثار ادبیات محلی آذربایجان داستان‌هایی چون ماهی سیاه کوچولو، اولدوز و عروسک سخنگو و کچل کفترباز را نوشت.

غلامحسین غریب: غریب یک هنرمند تمام عیار بود. نویسنده، شاعر، موسیقیدان و نوازنده کلارینت. او که سال ۱۳۰۲ به دنیا آمده بود به‌عنوان یکی از بنیانگذاران انجمن هنری خروس جنگی شناخته می‌شود. انجمنی پیشرو در هنر نو که در زمینه ادبیات، تئاتر، موسیقی و نقاشی فعال بود. غریب از دوستان نزدیک نیما یوشیج بود و اولین داستانش به نام «ساربان» با ویرایش یوشیج منتشر شد. او عضو هیأت مؤسس ارکستر سمفونیک تهران و اولین نوازنده ساز بادی ارکستر سمفونیک بود.

سالروز تولد مسعود آب پرور، کارگردان، میرزاجهانگیرخان صوراسرافیل روزنامه نگار، محمد حمزه‌زاده کارگردان تئاتر، زهره جهان پرور طراح صحنه، ابراهیم فلاحی کاشی‌کار، رضا روحانی اصفهانی مجسمه ساز، ابراهیم فلاحی کاشی کار، مجید مهرگان نگارگر، ایرج فهیمی صدابردار، محمدمهدی گورنگی آهنگساز و کارن کیهانی آهنگساز هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

مصطفی کمال پورتراب: آهنگساز ایرانی و از استادان تئوری موسیقی سال ۹۵ در چنین روزی درگذشت. او از ۵ سالگی فلوت می‌نواخت و دیپلم هنرستان موسیقی گرفت و نواختن سازهای فاگوت، ویولن و تار را آموخت. تئوری موسیقی را از روح‌الله خالقی یاد گرفت و از پرویز محمود به طور خصوصی آهنگسازی آموخت. کمال پورتراب به تدریس موسیقی مشغول بود و مدتی هم مدیر هنرستان موسیقی ایران شد. او که سال ۱۳۸۷ به‌عنوان چهره ماندگار موسیقی ایران انتخاب شد از اعضای هیأت مؤسس شورای عالی خانه موسیقی ایران و نایب رئیس این شورا بود. کتاب‌های تئوری موسیقی، مقدمه‌ای بر مبانی آهنگسازی و آهنگ‌های برگزیده برای پیانو از کتاب‌های پورتراب است.

احمد ابراهیمی: ابراهیمی در خانواده‌ای اهل موسیقی در اورامانات کردستان به دنیا آمده بود و در تهران به‌دلیل صدای خوشی که داشت با ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، غلامحسین بنان و ادیب خوانساری آشنا شد و از آنها موسیقی و آواز را آموخت. ابراهیمی اولین اجرای رادیویی‌اش را با محمود ذوالفنون در رادیو تهران اجرا کرد و پس از یک سال به ارکستر مرتضی محجوبی پیوست. او سال‌ها به آموزش ردیف‌های آوازی مشغول بود و سال ۹۲ پس از یک دوره بیماری در ۸۷ سالگی درگذشت.

کوروش اسدی نویسنده و مدرس داستان‌نویسی و جیمز روی هورنر آهنگساز فیلم مشهور تایتانیک هم در چنین روزی درگذشتند.

عکس نوشت

دیروز و در سالروز تولد عباس کیارستمی بخش دیگری از جوایز، تقدیرنامه‌ها و لوح‌های زنده‌یاد «عباس کیارستمی» به گنجینه این هنرمند در موزه سینمای ایران اضافه شد. جایزه یوزپلنگ طلایی جشنواره لوکارنو، جایزه بزرگ جشنواره سائوپائولو، مدال یادبود کشور فرانسه، جایزه روبرتو روسلینی، جایزه جشنواره بوئنوس آیرس و سانفرانسیسکو، مدال شهرنانت فرانسه، مدال انستیتو فیلم بریتانیا، مدال سنت ایرکس و مدال دانشگاه سوربون با همکاری بنیاد کیارستمی به‌صورت امانت در اختیار موزه سینما گذاشته شد. پیش از این نخل طلای جشنواره فیلم کن برای فیلم «طعم گیلاس»، جایزه یادبود بزرگداشت کارگردانان جشنواره سه قاره نانت، جایزه یوزپلنگ برنز جشنواره لوکارنو، ارگ چوبین سینما کولون جشنواره ماردل پلاتا، مدال جشنواره توکیو، جایزه ویژه هیأت داوران هجدهمین جشنواره فیلم سائوپائولو برزیل و چند جایزه و مدال از جشنواره جیفونی درویترین ویژه «عباس کیارستمی» در موزه سینما به نمایش درآمده بود.
عباس کیارستمی از اعضای هیأت مؤسسان موزه سینمای ایران در سال ۱۳۷۳ بود.